



نقش برخی تفاوت‌های فردی در درک استعاری زمان در زبان فارسی: رویکردی شناختی^۱

امیرعلی خوشخونزاد^۲، عباسعلی آهنگر^۳،

پاکزاد یوسفیان^۴، مهرداد مظاهری^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹

چکیده

یکی از اساسی‌ترین و مبهم‌ترین تجربه‌های بشری که بخشی از پیچیدگی و غنای زبان را شکل می‌دهد، مقوله «زمان» است. زمان به تنهایی قابل درک و تجربه نیست. از این رو، در قالب مقوله «فضا» درک و تجربه می‌شود. به طور کلی، دو رویکرد مختلف نسبت به عبارت‌های زمانی اشاره‌ای نمایان است: یکی استعاره ناظر متحرک و دیگری استعاره زمان متحرک. از دیدگاه ناظر متحرک، زمان ثابت درک می‌شود و ناظر خودش به سمت زمان حرکت می‌کند. ولی در دیدگاه زمان متحرک، زمان به عنوان چیزی در حال حرکت درک می‌شود و ناظر نسبت به آن ثابت است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش برخی تفاوت‌های فردی در درک استعاری زمان در زبان فارسی است. این تفاوت‌ها شامل تفاوت در شیوه زندگی (دانشجویان در مقابل کارمندان دانشگاه)، اهمال‌کاری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی است. به این منظور، به پیروی از دافی و فیست

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2019.25168.1673

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیتان و بلوچستان، ایران؛

amiralikhoshkhounjad@pgs.usb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)؛

ahangar@english.usb.ac.ir

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛

yousefian@lihu.usb.ac.ir

^۵ دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛ mazaher@hamoon.usb.ac.ir

(Duffy & Feist, 2014) و بر اساس پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) سه آزمایش طراحی شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از این سه آزمایش با آزمون‌های آماری همخوانی خوبی داشتند و نتایج مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای پژوهش به شرح زیر ارتباط وجود دارد: (۱) شیوه زندگی (دانشجویی در مقابل کارمندی)، بر درک استعاری عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر معناداری دارد، (۲) افزون بر این، اهمال کاری و وظیفه‌شناسی دانشجویان فارسی‌زبان بر درک استعاری عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر معناداری دارد، و (۳) همچنین، برون‌گرایی دانشجویان فارسی‌زبان بر درک استعاری عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: زمان، استعاره، تفاوت‌های فردی، ناظر متحرک، زمان متحرک

۱. مقدمه

زمان یکی از مهم‌ترین مفاهیم در زندگی روزانه بشر است. بدون فهم آن بشر قادر به انجام بسیاری از کارها نخواهد بود. با وجود این، زمان مفهومی انتزاعی است که بشر به سختی می‌تواند آن را ببیند یا لمس کند؛ بنابراین، از طریق تجربه‌های عینی برای بشر مفهوم‌سازی می‌شود. از سوی دیگر، بشر مفهوم فضا را بسیار زود فرا می‌گیرد و توانایی درک آن را دارد. پرودیتسکی (Boroditsky, 2011) معتقد است بشر از طریق بازنمایی ذهنی فضا به صورت خودکار و ناخودآگاه، زمان را درک می‌کند. برای نمونه، واژه‌های فضایی ایبی مانند «جلو» و «عقب»، برای توصیف رویدادهای زمانی ترتیبی به کار گرفته می‌شود. در زبان‌شناسی این پدیده استعاره فضا-زمان نامیده می‌شود (Clark, 1973). زبان‌شناسانی مانند لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) توصیفی از نحوه مفهوم‌سازی و درک انسان از استعاره‌های زمان‌ارایه می‌دهند. این درک استعاری زمان از طریق محتوای فضایی و حرکتی انجام می‌گیرد. آن‌ها دو نوع استعاره فضایی را برای بازنمایی زمان مطرح کردند: ناظر متحرک^۱ و زمان متحرک^۲. در استعاره ناظر متحرک (جمله (۱))، ناظر عامل فعالی است که به سمت زمان آینده در حرکت است، در حالی که زمان در این نوع استعاره ثابت است.

۱. ما داریم به عید نوروز نزدیک می‌شویم.

¹ moving ego metaphor

² moving time metaphor

در مقابل، در استعاره زمان‌متحرک (جمله ۲)، ناظر ثابت است و زمان به گونه‌ای در حال حرکت به جلو مفهوم‌سازی می‌شود.

۲. عید نوروز دارد نزدیک می‌شود.

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که استعاره‌های فضا-زمان در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به طور گسترده به کار گرفته می‌شوند. مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) پارادایمی برای تفکیک میان این دو دیدگاه زمانی ارائه دادند. این پارادایم با استفاده از پرسش مبهم «*Next Wednesday's meeting*»^۱ طراحی شد. در این پارادایم، ابتدا جمله مبهم زیر بیان شد که به خوبی تفاوت معنایی این دو دیدگاه را نشان می‌دهد:

3. “The meeting originally scheduled for next Wednesday has been moved forward two days” (McGlone & Harding, 1998, p. 1214).^۲

سپس از شرکت‌کننده‌ها پرسیده شد که

4. “What day is the meeting now that it has been rescheduled?”^۳ (همان)

دو پاسخ برای این پرسش به وسیله آن‌ها بیان شد: یکی «جمعه» و دیگری «دوشنبه». پاسخ به این پرسش هم می‌تواند «دوشنبه» باشد و هم «جمعه»، زیرا جمله دارای ابهام است. در جمله (۳)، ابهامی وجود دارد که فقط با تمایز میان حرکت زمان و حرکت فرد قابل تفسیر است. اگر از منظر حرکت فرد به این جمله بنگریم، رویدادهای آینده جلوتر از فرد قرار گرفته‌اند و جلوتر رفتن آن‌ها سبب می‌شود تا آن‌ها به زمانی دورتر از فرد در آینده واگذار شوند. در نتیجه، پاسخ «جمعه» بازنمایی ناظر متحرک را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، از منظر حرکت زمان، زمان به سمت فردی که ثابت است، حرکت می‌کند. بنابراین جلوتر افتادن رویداد، آن را به فرد و در نتیجه زمان حال نزدیک‌تر می‌کند. از این رو، پاسخ «دوشنبه» حاکی از بازنمایی زمان‌متحرک است.

در این راستا، عوامل بسیاری ممکن است بر انتخاب هر یک از این دیدگاه‌ها تأثیر داشته باشد. زیرا درک ما از زمان به طور مستقیم به تجربه ما از حرکت در فضا و استدلال فضایی ارتباط دارد.

^۱ جلسه چهارشنبه بعد

^۲ «جلسه‌ای که چهارشنبه آینده قرار بود برگزار شود، دو روز جلو رفته‌است». در ترجمه فارسی نیز همانند واژه مبهم «forward» در زبان انگلیسی واژه «جلو» مبهم است. زیرا در خوانش نخست به ترتیب زمانی ایام هفته در تقویم دلالت دارد که در آن روز دوشنبه جلوتر از روز چهارشنبه قرار دارد. در حالی که در خوانش دوم به معنایی پس از روز چهارشنبه یعنی روز جمعه درک می‌شود. افزون بر این، برای بررسی این پارادایم نویسندگان مقاله حاضر چندین ترجمه ارائه داده‌اند که سعی شد با کمک اساتدهای زبانشناسی و زبان فارسی بهترین ترجمه انتخاب شود. سپس روایی و پایایی آن بررسی گردید. در نهایت، با توجه به تأیید اساتدهای متخصص و نمره بالای روایی و پایایی بومی‌سازی شد.

^۳ اکنون این جلسه در چه روزی برگزار می‌شود؟

زبان و فرهنگ نیز به درک ما از ساختار مفاهیم اساسی زبان کمک می‌کند. برای نمونه، عناصری فرهنگی مانند «تقویم» و «ساعت» می‌تواند بر انتخاب دیدگاه زمانی مؤثر باشد (Duffy & Feist, 2014). همچنین، ظرفیت عاطفی رویدادهای آینده می‌تواند بر انتخاب دیدگاه زمانی تأثیرگذار باشد (Zheng et al, 2019). افزون بر این، عوامل، شخصیت به عنوان یک کل سبب تمایز افراد از دیگران می‌شود و هر کس ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داراست، که بر جنبه‌های متفاوت رفتار مانند شیوه زندگی، اهمال کاری و وظیفه‌شناسی و همچنین برون‌گرایی و درون‌گرایی تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، این پژوهش به بررسی شناختی تأثیر برخی تفاوت‌های فردی (تفاوت در شیوه زندگی دانشجویی در مقابل کارمندی، اهمال کاری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی دانشجویان) بر درک استعاره‌ی عبارت مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد در زبان فارسی می‌پردازد.

در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: نخست اینکه، آیا بین شیوه زندگی دانشجویان و کارمندان فارسی‌زبان در درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تفاوت معناداری وجود دارد؟ دوم آنکه، آیا در زبان فارسی اهمال کاری و وظیفه‌شناسی دانشجویان بر درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر دارد؟ سوم اینکه، آیا در زبان فارسی برون‌گرایی دانشجویان بر درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر دارد؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه‌های زیر بیان می‌شود: یکم - بین شیوه زندگی دانشجویان و کارمندان فارسی‌زبان در درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تفاوت معناداری وجود دارد. دوم - در زبان فارسی اهمال کاری و وظیفه‌شناسی دانشجویان بر درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر دارد. سوم - در زبان فارسی برون‌گرایی دانشجویان بر درک استعاره‌ی عبارت زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد تأثیر دارد.

در این مقاله، پس از بیان مقدمه، پیشینه پژوهش آورده شده است. در این بخش، به معرفی عمده‌ترین آثار در زمینه درک استعاره‌ی زمان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. در بخش چارچوب نظری پژوهش، به معرفی دیدگاه‌های مختلف در مورد استعاره‌ی زمان اشاره می‌گردد. سپس، در بخش روش پژوهش، شرکت‌کننده‌ها، ابزارها و مواد آزمودنی معرفی می‌شوند. در پایان، در بخش بحث و نتیجه‌گیری، یافته‌های پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

یوسفی‌راد (Yussefi Rad, 2003) بر اساس چارچوب نظری لیکاف (Lakoff, 1990, 1994; quoted in Yussefi Rad, 2003) به بررسی استعاره‌های تصویری زمان در زبان فارسی

پرداخت. وی دو مدل لیکاف در مورد استعاره تصویری «ناظر متحرک و زمان متحرک» را در زبان فارسی تأیید می‌کند. همچنین، یوسفی‌راد مدل سومی را برای زبان فارسی پیشنهاد می‌دهد. در این مدل هم ناظر و هم زمان در حال حرکت هستند.

گلفام، کردزعفرانلو کامبوزیا و حسن دخت (Golfam; Kurdzaferanloo Kambozia & Hassandokht, 2009) استعاره زمان را در شعر فروغ فرخ‌زاد از دیدگاه زبان‌شناختی بررسی کردند. شواهد نشان داد که استعاره‌های زمان به همان صورتی که در گفتار فارسی‌زبانان وجود دارد، در شعر فروغ فرخ‌زاد نیز یافت می‌شود. همچنین، در سه دفتر آغازین فرخ‌زاد، یعنی «دیوار»، «اسیر و عصیان» استعاره‌های قراردادی بیشتر به چشم می‌خورد؛ ولی در دو دفتر پایانی او، «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، استعاره‌های قراردادی زمان گسترش می‌یابند و با ویژگی‌های جدیدی همراه می‌شوند و یا حتی استعاره‌های کاملاً نو خلق می‌گردند.

افراشی (Afrashi, 2013) تحلیلی شناختی از ادراک و بازنمود زبانی مفهوم زمان در زبان فارسی ارائه داده‌است. یافته‌ها نشان داد که در زبان فارسی زمان به شیوه‌های زیر مفهوم‌سازی می‌شود. نخستین شیوه مفهوم‌سازی بر اساس مکان است که ویژگی معناشناختی جهانی میان زبان‌ها به شمار می‌آید. یکی دیگر از شیوه‌های مفهوم‌سازی زمان، دریافت آن به مثابه شیئی قابل اندازه‌گیری و قابل شمارش است. دریافت زمان بر اساس تقابل میان سکون و حرکت از دیگر ابزارهای مفهوم‌سازی زمان است که در زبان فارسی بیان شده‌است.

نصیب‌ضرابی و پهلوان‌نژاد (Nasibzaraby & Pahlevannezhad, 2014) کوشیدند تا با مبنا قرار دادن نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980, 1999) الگویی برای مفهوم زمان در زبان فارسی ارائه دهند. در این راستا، حرکات استعاری دستان که برای اشاره به قیده‌های مختلف زمان توسط فارسی‌زبانان به کار می‌رود، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که زمان برای فارسی‌زبانان افقی، از عقب به جلو، و از راست به چپ است.

منصوری (Mansoori, 2016) به بررسی فراگیری استعاره‌های حرکتی زمان در کودکان فارسی زبان پرداخت. این پژوهش در بستر زبان‌شناسی شناختی و در چارچوب نظریه استعاره‌های مفهومی انجام شد. این پژوهش یک تقسیم‌بندی چهارحالتی از استعاره‌های حرکتی زمان پیشنهاد می‌دهد: «حرکت ناظر»، «حرکت زمان»، «حرکت ناظر و زمان» و «حرکت بی‌ناظر». یافته‌های این پژوهش نمایانگر آن است که درک استعاره‌های حرکتی زمان به دو عامل بستگی دارد. نخستین عامل تعداد موضوع‌ها (arguments) در مسیر حرکت حوزه مبدأ است. هر چقدر استعاره از

موضوع‌های بیشتری برخوردار باشد، برای کودکان پیچیده‌تر بوده و در سنین بالاتری درک می‌شود. عامل دوم در تعیین میزان دشواری استعاره‌ها، نوع موضوع در حال حرکت در حوزه مبدأ است. افزون بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در صورت یکسان بودن تعداد موضوع‌ها، استعاره‌هایی که شامل حرکت خود فرد باشند، زودتر از استعاره‌هایی درک می‌شوند که از نگاشت حرکت رویدادها ایجاد شده‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد در کودکان سنین بالاتر درک حوزه مبدأ تأثیری در درک استعاره‌ها ندارد، در حالی که درک حوزه مقصد در درک استعاره‌ها به ویژه در گروه‌های سنی پائین‌تر بسیار مؤثر است.

نظام‌مندی و انسجام استعاره‌های ناظرمتحرک و زمان‌متحرک در زبان منجر به بررسی واقعیت‌های روان‌شناختی این دو استعاره در زبان‌های دیگر گردیده‌است. در یکی از پژوهش‌های اصلی در این مورد، مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) پارادایم جلسه چهارشنبه بعد را بنیان نهادند. در این پارادایم، درک استعاره مبتنی بر چارچوب مکان-زمان خاصی (حرکت‌ناظر، حرکت‌زمان) است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکت‌کننده‌ها در این پارادایم با مجموعه‌ای از جمله‌ها که یا شامل استعاره ناظرمتحرک (We passed the deadline two days ago) و یا استعاره زمان‌متحرک (The deadline passed two days ago) هستند، برانگیخته می‌شوند. پس از برانگیخته کردن شرکت‌کننده‌ها با این جمله‌ها، شرکت‌کننده‌های جمله مبهم هدف را می‌خوانند:

5. The meeting originally scheduled for next Wednesday has been moved forward two days. (McGlone & Harding, 1998, p. 1214)

سپس، از شرکت‌کننده‌ها خواسته می‌شود که روز برگزاری جلسه جدید (دوشنبه یا جمعه) را مشخص کنند. یافته‌ها نشان داد که شرکت‌کننده‌ها پاسخ را متناسب با دیدگاه خود نسبت به زمان انتخاب می‌کنند. به بیان دیگر، شرکت‌کننده‌هایی که با استعاره‌های ناظرمتحرک برانگیخته می‌شوند اغلب «حرکت به سمت جلو» را با دیدگاه حرکت ناظر تفسیر می‌کنند و از این رو، پاسخ «جمعه» را انتخاب می‌کنند. در مقابل، شرکت‌کننده‌هایی که با استعاره‌های زمان‌متحرک برانگیخته می‌شوند بیشتر تمایل دارند که «حرکت به سمت جلو» را متناسب با دیدگاه حرکت زمان درک کنند و بنابراین پاسخ «دوشنبه» را بر می‌گزینند.

برودیتسکی (Boroditsky, 2000) و برودیتسکی و رمسکار (Boroditsky & Ramscar, 2002)، بر اساس یافته‌های مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) مجموعه‌ای از آزمایش‌ها را برای بررسی تأثیر انواع تفکر فضایی بر تفکر زمانی انجام دادند. در یک آزمایش، ابتدا از شرکت‌کننده‌ها درخواست شد که تصور کنند یا در حال حرکت به سمت

شیئی ثابت هستند یا اینکه شیئی به سمت آنها حرکت می‌کند. سپس، از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد که به پرسش جلسه چهارشنبه بعد پاسخ دهند. بر اساس این فرضیه که فهم ما از زمان مبتنی بر فهم ما از زمان است (Lakoff, 1993; Lakoff & Johnson, 1980, 1999)، فرض بر این بود که تصور حرکت ناظر در فضا به سمت شیئی ثابت منطبق با دیدگاه ناظر متحرک و تصور حرکت شیء در فضا به سمت ناظر مطابق با دیدگاه زمان متحرک است. بنابراین فرضیه، شرکت‌کننده‌هایی که از طریق شرایط فضایی ناظر متحرک برانگیخته می‌شوند باید از این دیدگاه برای زمان استفاده کنند و در پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد پاسخ جمعه را انتخاب کنند، در حالی که شرکت‌کننده‌هایی که در شرایط فضایی شیئی متحرک برانگیخته می‌شوند، باید دیدگاه زمان متحرک و پاسخ دوشنبه را انتخاب کنند. همان گونه که پیش‌بینی شده بود، شرکت‌کننده‌ها به شیوه‌ای متناسب با برانگیختگی به پرسش ملاقات چهارشنبه بعد پاسخ دادند.

یافته‌های این پژوهش‌های نخستین با طرحواره‌های فضایی غیر اشاره‌ای کرانجک (Kranjec, 2006) و نونز و همکاران (Núñez et al., 2006)، طرحواره‌های حرکت فضایی انتزاعی متلوک و همکاران (Matlock et al., 2011) و طرحواره‌های حرکت خیالی اشاره‌ای-جهتی متلوک و همکاران (Matlock et al., 2005) و رمسکار (Ramscar, 2010) گسترش یافت. برای نمونه، متلوک و همکاران (Matlock et al., 2005) و رمسکار (Ramscar, 2010) تعدادی آزمایش انجام دادند تا بررسی کنند که آیا تفکر در مورد حرکت خیالی^۱ همچون تفکر در مورد حرکت واقعی بر روش‌های تفکر در مورد زمان تأثیر می‌گذارد یا خیر. در این پژوهش‌ها، شرکت‌کننده‌ها با یکی از دو جمله حرکت خیالی (۶ و ۷) برانگیخته می‌شدند. سپس، شرکت‌کننده‌ها باید به پرسش جلسه چهارشنبه آینده پاسخ بدهند.

6. The road goes all the way to New York

7. The road comes all the way from New York

یافته‌ها نشان داد هنگامی که شرکت‌کننده‌ها با حرکت خیالی‌ای که از آنها دور می‌شود برانگیخته می‌شوند، بیشتر تمایل دارند که پاسخ جمعه را انتخاب کنند، در حالی که هنگامی شرکت‌کننده‌ها حرکت خیالی‌ای که به آنها نزدیک می‌شود برانگیخته می‌شوند، بیشتر تمایل دارند که پاسخ دوشنبه را انتخاب کنند.

پژوهشگران علوم شناختی بیشتر تمایل دارند تأثیرات برانگیختگی را بر درک جمله‌های زمانی مبهم بررسی کنند. با وجود این، پژوهش‌های اخیر روش‌هایی از درک مقوله زمان را گسترش داده‌اند که واقعیت روان‌شناختی استعاره فضا-مکان را تشریح می‌کند. در نتیجه، رابطه بین

¹ fictive motion (FM)

ویژگی‌های شخصیتی شرکت‌کننده‌ها در پیوند با درک زمان و رفع ابهام جمله‌های مبهم زبانی مورد توجه قرار گرفت. در این رابطه، هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009) ارتباط بین حوزه‌های انتزاعی خشم و زمان را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس جنبه‌های از نظریه استعاره مفهومی یعنی اینکه مفاهیم انتزاعی مانند خشم یا زمان از طریق حوزه‌های عینی‌تری مانند فضا درک می‌شوند، هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009) رابطه بین خشم و بازنمایی زمانی ناظر متحرک را دارای انگیزه فضایی مشابهی در نظر گرفتند. هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009) دریافتند هنگامی که پرسش جلسه چهارشنبه بعد به شرکت‌کننده‌ها داده شد، شرکت‌کننده‌هایی که خشم (خشم به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی) بیشتری را نشان دادند، بیشتر تمایل داشتند که هم‌راستا با دیدگاه ناظر متحرک پاسخ جمعه را انتخاب کنند. به بیان دیگر، بازنمایی زمان تحت تأثیر ویژگی خشم قرار دارد. از این رو، هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009) به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های شخصیتی ممکن است بر چگونگی استدلال فرد در مورد زمان تأثیر بگذارد.

در سال‌های اخیر، ریچموند و همکاران (Richmond et al., 2012) رابطه بین عاملیت شخصیتی و دیدگاه زمانی را بررسی نمودند. فرض بر این بود افرادی که سطح بالاتری از عاملیت شخصیتی را احساس می‌کنند، بیشتر تمایل دارند که رویکرد ناظر متحرک را انتخاب کنند. همسو با فرضیه، یافته‌ها نمایانگر آن بود شرکت‌کننده‌هایی که دیدگاه ناظر متحرک را انتخاب کردند در پاسخ به پرسش جلسه چهارشنبه بعد به‌طور معناداری عاملیت بالاتری را نسبت به افرادی نشان دادند که دیدگاه زمان متحرک را بر می‌گزیدند. در همین پژوهش (بررسی سوم) ریچموند و همکاران (Richmond et al., 2012) بر تفاوت‌های فردی در تجربه‌های عاطفی و ارتباط آن با دیدگاه‌های زمانی متمرکز شدند. آن‌ها دریافتند شرکت‌کننده‌هایی با دیدگاه ناظر متحرک نسبت به شرکت‌کننده‌هایی با دیدگاه زمان متحرک میزان شادی بیشتری را نشان می‌دهند. در مقابل، شرکت‌کننده‌هایی که دیدگاه زمان متحرک را برگزیدند، میزان اضطراب و افسردگی بیشتری نسبت به شرکت‌کننده‌هایی که دیدگاه ناظر متحرک را انتخاب کردند، داشتند. بنابراین، این یافته‌ها نیز محدوده تفاوت‌های فردی را که ممکن است بر بازنمایی زمان تأثیر بگذارد، گسترش داد.

دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014) رابطه تفاوت‌های فردی (اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی) و دیدگاه افراد نسبت به مقوله زمان را در زبان انگلیسی بررسی نمودند. در این پژوهش، فرض بر این بود که اهمال‌کاری مستلزم کنش‌گری است که یک فعالیت یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را مطابق با دیدگاه حرکت ناظر رو به جلو درک می‌کند، در حالی که در وظیفه‌شناسی

حرکت فعالیت‌ها به سمت ناظر و مطابق با رویکرد حرکت‌زمان است. برای بررسی این فرضیه، دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014) از پرسش‌نامه وظیفه‌شناسی و اهمال‌کاری جان (John, 1990; quoted in Duffy & Feist, 2014) و پرسش‌مبهم «جلسه چهارشنبه بعدی» مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) بهره‌گرفتند. هم‌راستا با فرضیه پژوهش، شرکت‌کننده‌ها با دیدگاه زمان‌متحرک (پاسخ دوشنبه) نسبت به شرکت‌کننده‌ها با دیدگاه ناظرمتحرک (پاسخ جمعه) تفاوت نمره‌های معناداری را برای وظیفه‌شناسی به دست آوردند.

دافی و همکاران (Duffy et al., 2014) رابطه بین رفتار عینی قابل‌مشاهده به‌موقع و رفع ابهام زمانی را مورد بررسی قرار دادند. به این منظور، دیدگاه زمانی شرکت‌کننده‌هایی را که به‌موقع به قرار ملاقات می‌رسیدند و کسانی که تأخیر داشتند را با هم مقایسه کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد شرکت‌کننده‌های که به‌طور متوسط تعهداتشان را دیرتر انجام می‌دادند، بیشتر تمایل دارند دیدگاه ناظرمتحرک را انتخاب کنند تا دیدگاه زمان‌متحرک.

لی و کاو (Li & Cao, 2019) به بررسی نقش وظیفه‌شناسی در فضا‌سازی ضمنی مقوله زمان پرداختند. به این منظور، در سه بررسی آزمایشگاهی و میدانی میزان وظیفه‌شناسی دانش‌آموزان و غیر دانش‌آموزان بزرگسال اندازه‌گیری شد. یافته‌های این بررسی نمایانگر آن بود نسبت وظیفه‌شناسی شرکت‌کننده‌هایی که زمان را روبه‌جلو مفهوم‌سازی می‌کنند از کسانی که زمان را روبه‌عقب مفهوم‌سازی می‌کنند، بیشتر است. به بیان دیگر، تفاوت‌های فردی بر مفهوم‌سازی فضایی زمان تأثیرگذار بوده‌است.

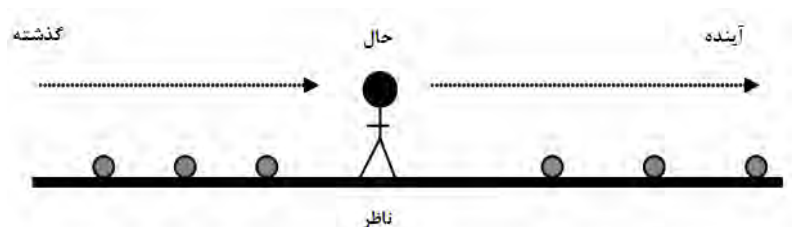
ژنگ و همکاران (Zheng et al, 2019) تأثیر ظرفیت رویداد و حالت‌های عاطفی بر درک استعاری زمان را بررسی نمودند. به این منظور، آن‌ها دو آزمون بر اساس پرسش‌مک‌گلون و هاردینگ و طرحواره تصویری حرکت‌زمان طراحی کردند. یافته‌ها نشان داد ظرفیت عاطفی (ترغیب و اجتناب) رویدادهای آینده می‌تواند بر انتخاب دیدگاه زمانی افراد تأثیرگذار باشد.

بیشتر این پژوهش‌ها در مورد زبان‌های انگلیسی انجام شده‌است. بر این اساس پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا تفاوت‌های فردی در زبان فارسی نیز ممکن است بر چگونگی تفکر دانشجویان در مورد زمان تأثیرگذار باشد. برای پاسخ به این پرسش به پیروی از دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014) سه آزمایش توسط نگارندگان برای زبان فارسی طراحی شد. به دلیل اینکه بیشتر این پژوهش‌ها جامعه دانشجویی را مورد بررسی قرار دادند، ولی دانشجویان همه جمعیت مورد بررسی، نیستند، در آزمایش نخست، تأثیر شیوه زندگی دانشجویان و کارمندان دانشگاه بر رویکرد فردی نسبت به مقوله زمان بررسی شد. از سوی دیگر، کارمندان دانشگاه

نسبت به دانشجویان دارای فضا‌های زمانی کاملاً متفاوتی هستند. به این منظور، پاسخ‌های ترجیحی دانشجویان و کارمندان دانشگاه سیستان و بلوچستان به پرسش جلسه چهارشنبه بعد با هم مقایسه شد. در آزمایش دوم، تأثیر تفاوت‌های فردی اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی دانشجویان بر دیدگاه‌های زمانی به کار گرفته شده در پاسخ به پرسش جلسه چهارشنبه بعد بررسی شد. در پایان، تأثیر برون‌گرایی دانشجویان بر دیدگاه‌های زمانی انتخاب شده در پاسخ به پرسش جلسه چهارشنبه بعد مورد بررسی قرار گرفت.

۳. چارچوب نظری پژوهش

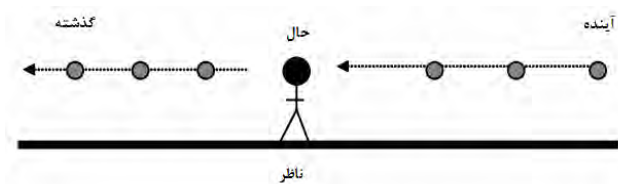
زمان یک بُعد بیکران همانند فضا است و مانند آن نیاز به نقطه‌ای برای جهت‌دهی دارد. معمولاً در تعاملات زبانی، گوینده به عنوان مرکزیت متعارف شناخته می‌شود و محور زمانی در زبان، زمان گوینده یعنی «اکنون» است (Jahangiri & Noorbakhsh, 2016, p. 33). در زبان‌های گوناگون برای صحبت در مورد مفاهیم انتزاعی از مفاهیم عینی استفاده می‌شود. برای نمونه، زمان یکی از مفاهیم انتزاعی‌ایی است که افراد به طور استعاره‌ای از فضا برای سخن گفتن در مورد آن بهره می‌برند (Haspelmath 1997; Evans 2004; Núñez & Sweetser 2006). از این رو، رویکردهای مختلفی از استعاره‌های فضایی برای زمان ارائه شده‌است (Evans, 2013). در این راستا، کلارک (Clark, 1973) بر اساس ارجاع اشاره‌ای^۱ دو دیدگاه را نسبت به زمان معرفی نمود: ناظر متحرک و زمان متحرک. در الگوی ناظر متحرک (ما داریم به مهلت نهایی نزدیک می‌شویم) زمان زمینه‌ای است که ناظر بر روی آن حرکت می‌کند و درک زمان به واسطه حرکت ناظر بر روی این زمینه به سوی لحظه‌ها و رویدادهای زمانی انجام می‌گیرد. در این انگاره، زمان به عنوان مکانی ثابت یا ناحیه‌ای محصور در فضا مفهوم‌سازی می‌شود و از طریق حرکت ناظر است که گذر زمان درک می‌گردد (Evans & Green, 2006, p. 85). الگوی ناظر متحرک در شکل (۱) نمایش داده شده‌است.



شکل ۱: الگوی ناظر متحرک (Evans & Green, 2006, p. 85)

¹ deictic reference

در الگوی زمان متحرک (مهلت نهایی نزدیک می‌شود) تجربه‌گری وجود دارد که ناظر نامیده می‌شود و موقعیت او نشان‌دهنده «حال» است. در این الگو، ناظر ثابت است و لحظه‌ها و رویدادهای زمانی به عنوان اشیایی در حال حرکت مفهوم‌سازی می‌شوند. این اشیاء از آینده به سمت ناظر حرکت می‌کنند و با گذر از او به گذشته می‌روند. این حرکت سبب گذر زمان می‌شود (Evans & Green, 2006, p. 84). این الگو در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل ۲: الگوی زمان متحرک (Evans & Green, 2006, p. 84)

همچنین، مور (Moore, 2000; 2006) و نونز و سویستر (Núñez & Sweetser, 2006) دیدگاه دیگری با عنوان ارجاع ترتیبی^۱ را مطرح کردند. مور (Moore, 2006) و نونز و سویستر (Núñez & Sweetser, 2006) معتقدند انتساب حرکت به رویدادها به صورت توالی‌ایی درک می‌شود که ابزاری جایگزین و مکمل برای ارجاع زمانی فراهم می‌کند. به بیان ایوانز (Evans, 2004) در حالی که ارجاع اشاره‌ای رابطه گذشته/آینده را کدبندی می‌کند، ارجاع ترتیبی رابطه زودتر/دیرتر را آسان می‌کند. بدین گونه، رویدادهای زمانی چه قبل‌تر یا بعدتر از هم باشند می‌توانند با هم ارتباط یابند. این ارتباط بر اثر توالی زمانی رویدادها نسبت به یکدیگر به دست می‌آیند. برای نمونه:

۸ بهار قبل از تابستان می‌آید.

در نمونه (۸)، ناظری وجود ندارد که بهار نسبت به آن دارای حرکت باشد، بلکه بهار نسبت به تابستان ثابت است.

افزون بر دیدگاه‌های ارجاع اشاره‌ای و ترتیبی، کرانجک (Kranjec, 2006) دیدگاه سومی را در ارتباط با ارجاع زمانی بیان نمود. وی این دیدگاه را ارجاع بیرونی^۲ نامید. در این دیدگاه نیز از انتساب حرکت به زمان استفاده شد. از دیدگاه کرانجک (Kranjec, 2006) حرکت میدان درونی‌ای را فراهم می‌کند که یک رویداد، یا رویدادها در زمان محصوراند. به بیان دیگر، زمان ماتریسی است که یک رویداد را شکل می‌دهد و رویدادهای دیگر درون آن وقوع می‌یابند. این

¹ sequential reference

² extrinsic reference

روش درک زمان به فرد این امکان را می‌دهد که رویدادها را بر اساس جایی که در زمان رخ می‌دهند، تعیین کند و از طریق انتساب حرکت به رویدادهایی مانند زیر ثابت می‌شود:

۹. زمان برای همیشه جریان دارد.

افزون بر شواهد زبانی، برخی پژوهش‌گران شواهد رفتاری‌ای را ارائه داده‌اند که واقعیت روان‌شناختی این سه راهبرد ارجاع زمانی را تأیید می‌کند. در یکی از نخستین پژوهش‌ها، مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) پارادایمی شامل یک فعالیت زمانی مبهم را پیشنهاد دادند. برای انجام این پژوهش، آن‌ها واقعیت روان‌شناختی دیدگاه زمانی اشاره‌ای را ایجاد کردند. یافته‌های پژوهش مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) با استفاده از بازنمایی فضایی زمان توسط برودیتسکی (Boroditsky, 2000) و جنتنر و همکاران (Gentner, 2002) اثبات شد. با بهره‌گیری از پارادایم مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998)، نونز و همکاران (Núñez et al., 2006) برای واقعیت روان‌شناختی ارجاع ترتیبی شواهد رفتاری ارائه دادند. همچنین، کرانجک (Kranjec, 2006) شواهدی برای واقعیت روان‌شناختی ارجاعی زمانی بیرونی پیشنهاد داد.

از این رویکردها، بیشترین توجه به رویکرد فضا-زمانی مبتنی بر ارجاع اشاره‌ای معطوف شده‌است. این رویکرد بر مکان نسبی ناظر و رویدادها در زمان شکل گرفته‌است (McGlone & Harding, 1998; Boroditsky & Ramscar, 2002; Matlock et al., 2005; Ramscar et al., 2010).

در این پژوهش تأثیر برخی تفاوت‌های فردی بر درک استعاره‌ی جملات مبهم زمانی زبان فارسی بررسی خواهد شد. این تفاوت‌ها شامل تفاوت در شیوه زندگی (دانشجویان در مقابل کارمندان دانشگاه)، اهمال‌کاری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی است. در ادامه، به این تفاوت‌ها اشاره می‌شود. شخصیت به عنوان یک کل باعث تمایز افراد از دیگران می‌شود و هر کس ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داراست، که بر جنبه‌های متفاوت رفتار تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، شیوه زندگی دانشجویان از دو دیدگاه متفاوت از شیوه زندگی کارمندان دانشگاه است. نخست، دانشجویان بر سازمان‌دهی زمان خودشان نسبتاً کنترل دارند. در حالی که کارمندان دانشگاه به‌طور نسبی تحت کنترل زمان هستند. دوم، زمان برای دانشجویان نسبت به کارمندان دانشگاه از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است (Duffy & Feist, 2014).

همچنین، اهمال‌کاری و ویژگی رفتاری برای به تأخیر انداختن انجام یک تکلیف یا تصمیم‌گیری است (Milgram, Mey-Tal, & Levison, 1998). همچنین، اهمال‌کاری به عنوان تعمیق عمدی کار یا وظیفه‌ای که باید تکمیل شود تعریف می‌شود (Schraw, Wadkins, & Olafson, 2002).

(2007). از مصداق‌های اهمال‌کاری، اهمال‌کاری در موقعیت‌های آموزشی است. در میان دانشجویان دو نوع تأخیر در انجام تکالیف مشاهده می‌شود. یک نوع آن تأخیر هدفمند، برنامه‌ریزی‌شده و متفکرانه است (Grunschel, Patrzek, & Frie, 2013). برای نمونه، هنگامی که دانشجویان مجبورند تکالیف بسیاری را هم‌زمان به پایان برسانند، برخی تکالیف مهم را اولویت‌بندی می‌کنند. نوع دیگر آن تأخیر غیر منطقی، خودشکانه و آسیب‌زاست که این نوع تأخیر به‌عنوان اهمال‌کاری تحصیلی شناخته شده‌است (همان).

وظیفه‌شناسی نیز از تفاوت‌هایی است که می‌تواند بر عملکرد افراد تأثیرگذار باشد. این ویژگی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که توسط مونت و باریک (Mount & Barrick, 1991) به عنوان قابل اعتماد بودن، مسئول بودن، سخت‌کوشی و دقیق بودن تعریف شده‌است. وظیفه‌شناسی ویژگی وسیعی است که هم شامل اطمینان و هم حرکت در جهت پیشرفت است. افراد با وجدان بالا تمایل به مراقب بودن، پیگیری کارها و پیشرفت‌گرایی دارند و کارکنانی سخت‌کوش و وظیفه‌شناس هستند (Henning et al., 2009).

یکی دیگر از تفاوت‌های فردی شناخته‌شده، تفاوت بین درون‌گرایی و برون‌گرایی است. افراد با جهان بیرونی با هر دو روش در ارتباط‌اند، مرزی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی وجود ندارد ولی معمولاً یکی بر دیگری غالب است. به بیان جان و همکاران (John et al, 2008) افراد برون‌گرا افرادی قاطع، مسلط و پرانرژی هستند و رویکردی فعالانه نسبت به دنیای مادی و اجتماعی دارند. همچنین، این افراد به بیرون و جهان خارج گرایش دارند. در حالی که افراد درون‌گرا شخصیتی منزوی، محتاط و سازگار دارند و رویکردی منفعلانه دارند. از این رو، توجه افراد درون‌گرا به سمت عناصر درونی و ذهنی است. افراد درون‌گرا ضمن مشاهده جهان خارج، اولویت را به دنیای درونی می‌دهد و اگر بیشتر از اینکه تحت تاثیر محیط باشند، از ارزیابی‌های ذهنی سود می‌جویند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای یا پس‌رویدادی است. برای انجام این پژوهش سه آزمایش انجام شد. تمامی آزمایش‌هایی که در پژوهش حاضر انجام گرفته‌است به پیروی از دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014) و مبتنی بر پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد مگگلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) است. مک گلون و هاردینگ (همان) برای تشریح تفاوت میان دو دیدگاه ناظر متحرک و زمان متحرک پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد را معرفی نمودند. در این پرسش، ابتدا جمله مبهم زیر بیان می‌شود که به خوبی تفاوت معنایی این دو دیدگاه

را نشان می‌دهد:

10. The meeting originally scheduled for next Wednesday has been moved forward two days.¹

سپس از شرکت‌کننده‌ها پرسیده شد که

11. What day is the meeting now that it has been rescheduled?²

دو پاسخ برای این پرسش انتخاب شد: یکی «جمعه» و دیگری «دوشنبه». پاسخ به این پرسش هم می‌تواند «دوشنبه» باشد و هم «جمعه»، زیرا جمله دارای ابهام است. در پاره‌گفته^{۱۰}، ابهامی وجود دارد که فقط با تمایز میان حرکت زمان و حرکت فرد قابل تفسیر است. اگر از منظر حرکت فرد به این جمله بنگریم، رویدادهای آینده جلوتر از فرد قرار گرفته‌اند و جلوتر رفتن آن‌ها سبب می‌شود تا آن‌ها به زمانی دورتر از فرد در آینده واگذار شوند. در نتیجه، پاسخ «جمعه» بازنمایی ناظر متحرک را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، از منظر حرکت زمان، زمان به سمت فردی که ثابت است، حرکت می‌کند. بنابراین جلوتر افتادن رویداد، آن را به فرد و در نتیجه زمان حال نزدیک‌تر می‌کند. از این رو، پاسخ «دوشنبه» نمایانگر بازنمایی زمان متحرک است. این پرسش یعنی پرسش مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد^۳ نخستین بار در سال ۱۹۹۸ به وسیله مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) معرفی شد. این پرسش توسط نگارندگان به زبان فارسی برگردانده شد. سپس، در قالب پرسش‌نامه به شرکت‌کننده‌ها داده شد. به منظور برآورد اعتبار خرده آزمون‌های به کار گرفته شده در پژوهش با توجه به ماهیت پرسشنامه استفاده شده از ضریب آلفای کرانباخ بهره گرفته شد که مقدار آن ۰/۷۷ برآورد شد. همچنین، برای روایی آزمون از روش روایی محتوا استفاده شد. به این ترتیب که پرسش‌نامه مورد نظر در اختیار استادهاى مرتبط با موضوع پژوهش قرار گرفت و از دید استادهاى مربوط پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش مناسب تشخیص داده شد. مقدار آلفای کرانباخ ۰/۷۶ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالا و مطلوب پرسش‌نامه است.

تفاوت‌های فردی مورد بررسی در این پژوهش شامل تفاوت در شیوه زندگی (دانشجویان در مقابل کارمندان دانشگاه)، اهمال کاری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی است.

^۱ جلسه‌ای که چهارشنبه آینده قرار بود برگزار شود، دو روز جلو رفته‌است.

^۲ اکنون این جلسه در چه روزی برگزار می‌شود؟

^۳ next wednesday's meeting

۴. ۱. آزمایش نخست

۴. ۱. ۱. شرکت کنندگان

جامعه آماری این آزمایش شامل ۲۳۴ نفر از کارمندان و دانشجویان فارسی زبان دانشگاه سیستان و بلوچستان بود. دلیل انتخاب دانشجویان کارشناسی و کارمندان دانشگاه سیستان و بلوچستان در این پژوهش، در دسترس بودن آنها بود. ۱۱۲ نفر از شرکت کنندگان کارمند و ۱۲۲ نفر از آنها دانشجوی بودند. سن آزمودنی‌های کارمند بین ۲۸ تا ۵۸ سال و میانگین سن آنها ۳۷ سال بود. سن آزمودنی‌های دانشجوی بین ۱۹ تا ۳۵ سال و میانگین سن آنها ۲۷ بود. محل زندگی گویشوران فارسی زبان از میان منطقه‌های مختلف کشور از جمله کرمان، اصفهان و شیراز انتخاب شده است.

۴. ۱. ۲. ابزار و مواد آزمودنی

برای انجام آزمایش نخست، شرکت کنندگان در محیط‌های مختلف دانشگاه سیستان و بلوچستان مانند کتابخانه‌ها، بوفه‌ها و کپی‌سنترها انتخاب شدند. پس از اعلام رضایت شرکت کنندگان به آنها پرسش‌نامه پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد ارائه شد. افزون بر این، پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان یعنی سن، جنسیت، زبان بومی، ملیت، شغل سطح تحصیلات نیز خواسته شد. شیوه‌نامه زیر در بالای هر پرسش‌نامه وجود داشت:

۱۲. لطفاً پرسش زیر را بخوانید و به آن جواب دهید. زمان زیادی صرف فکر کردن به این پرسش نکنید، همچنین، جواب‌تان را تغییر ندهید. من علاقه‌مند به واکنش اولیه شما هستم.

جلسه‌ای که چهارشنبه آینده قرار بود برگزار شود، دو روز جلو رفته است. این جلسه برای چه روزی برنامه‌ریزی شده است؟

داده‌های گردآوری شده از این آزمایش با استفاده از آزمون همخوانی خی‌دو تجزیه و تحلیل شدند. تمام موارد محاسباتی با استفاده از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس^۱ نسخه ۲۱ انجام شد.

۴. ۱. ۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

برای بررسی فرضیه نخست پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنا دار بین کارمندان و دانشجویان فارسی زبان در درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه آینده از آزمون همخوانی خی‌دو استفاده شد. یافته‌های به دست آمده در جدول (۱) ارائه شده است.

^۱ SPSS

جدول ۱: مقایسه پاسخ دوشنبه و جمعه بین کارمندان و دانشجویان

P	درجه آزادی	خی دو	روز جمعه	روز دوشنبه	
۰/۰۰۹	۱	۶/۷۶۸	۲۴/۱	۷۴/۹	کارمندان
			۶۶/۴	۳۳/۶	دانشجویان

همان‌گونه که در جدول (۱)، مشاهده می‌شود، پراکندگی فراوانی انتخاب روز دوشنبه و جمعه در دو گروه مورد بررسی کارمندان و دانشجویان از نظر آماری متفاوت است ($\chi^2=6/768$ ، $p<0/05$ ، $df=1$). بنابراین، فرضیه نخست پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین کارمندان و دانشجویان فارسی‌زبان در درک استعاره‌ی عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه آینده تأیید می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت شرکت‌کننده‌های کارمند بیشتر تمایل دارند پاسخ دوشنبه را انتخاب کنند. در حالی که شرکت‌کننده‌های دانشجویی بیشتر تمایل دارند پاسخ جمعه را انتخاب کنند.

۴.۲. آزمایش دوم

۴.۲.۱. شرکت‌کننده‌ها

جامعه آماری این آزمایش شامل ۱۰۲ نفر از دانشجویان کارشناسی فارسی‌زبان دانشگاه سیستان و بلوچستان بود. دلیل انتخاب دانشجویان کارشناسی در این پژوهش، در دسترس بودن آن‌ها بود. ۵۵ نفر از شرکت‌کننده‌ها مرد و ۴۷ نفر از آن‌ها زن بودند. سن آزمودنی‌ها بین ۱۹ تا ۳۲ سال و میانگین سن آن‌ها ۲۴ سال بود. محل زندگی گویشوران فارسی‌زبان از میان منطقه‌های مختلف کشور از جمله کرمان، اصفهان و شیراز انتخاب شده‌است.

۴.۲.۲. ابزار و مواد آزمودنی

برای انجام آزمایش دوم پرسش‌نامه‌ای سه بخشی به شرکت‌کننده‌ها ارائه شد. بخش نخست پرسش‌نامه شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کننده‌ها یعنی سن، جنسیت، زبان بومی، ملیت، شغل و سطح تحصیلات بود. برای بخش دوم پرسش‌نامه، اهمال‌کاری دانشجویان از طریق ۱۶ عبارت پرسش‌نامه اهمال‌کاری تاکمن (Tuckman, 1991; quoted in Kafipour et al., 2020) و وظیفه‌شناسی با ۱۰ پاره‌گفته (۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰) پرسش‌نامه پنج عامل اصلی شخصیت نتو^۱ سنجیده شد. برای آزمون و سنجش تعلل یا اهمال‌کاری،

^۱ NEO

پرسشنامه استاندارد تاکمن (Tuckman, 1991) به کار گرفته شد. این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارشی ۱۶ ماده‌ای است که بر مبنای طیف لیکرت طراحی شده است. گرفتن نمره بالا در این مقیاس نشانه بهانه‌جویی بالا در آن است. تاکمن (همان)، پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش کرده است. در پژوهش کافی پور و همکاران (Kafipour et al., 2020)، مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۱ به دست آمد که گویای اعتبار بالای پرسشنامه است. از آن جا که برای سنجش عوامل مؤثر بر تعلل پرسشنامه استاندارد یافت نشد، همین نگارندگان پس از بررسی پژوهش‌ها و مستندات پیشین در حیطه بهانه‌جویی و همچنین مصاحبه اولیه و نظرسنجی از کارشناسان و استادها، عوامل مؤثر بر بهانه‌جویی را شناسایی و در قالب ۴۰ عامل ریز و جزئی دسته‌بندی کردند. سپس این عوامل در اختیار ۱۵ نفر از استادها و کارشناسان قرار گرفت و پس از اتفاق نظر بین آنها نهایتاً در قالب ۲۰ عامل فرعی و سه طبقه عوامل فردی پرسش‌های ۱ تا ۷، سازمانی پرسش‌های ۸ تا ۱۵ و محیطی پرسش‌های ۱۶ تا ۲۰ دسته‌بندی و مشخص گردید و با مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. روایی پرسشنامه با نظرخواهی از کارشناسان و استادها مورد تایید قرار گرفت و برای تأیید پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد.

فرم کوتاه‌شده پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت^۱، یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. این پرسشنامه به وسیله مک کری و کاستا (Costa & McCrae, 1985) روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید. ضرایب اعتبار این پرسشنامه بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک بررسی طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است.

در پایان، پرسش مهم جلسه چهارشنبه بعد به شرکت‌کننده‌ها داده شد. شرکت‌کننده‌ها شیوه‌نامه زیر را می‌خواندند:

۱۳. لطفاً پرسش زیر را بخوانید و به آن جواب دهید. زمان زیادی صرف فکر کردن به این پرسش نکنید و همچنین جواب‌تان را تغییر ندهید. من علاقه‌مند به واکنش اولیه شما هستم. جلسه‌ای که چهارشنبه آینده قرار بود برگزار شود، دو روز جلو رفته است. این جلسه برای چه روزی برنامه‌ریزی شده است؟

¹ NEO-FFI

۴. ۲. ۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

برای بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی و درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه آینده در زبان فارسی از آزمون همخوانی خی‌دو بهره گرفته شد. برخی از شاخص‌های توصیفی مربوط به اهمال‌کاری بین دو گروه شرکت‌کننده‌ها با پاسخ جمعه و پاسخ دوشنبه در جدول (۲)، ارائه شده‌است.

جدول ۲: برخی شاخص‌های توصیفی مربوط به اهمال‌کاری آزمودنی‌ها

انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۴/۵۲	۳۸/۹۴	۴۵	روز دوشنبه
۳/۹۷	۴۳/۳۳	۵۷	روز جمعه

همچنان‌که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین نمرات اهمال‌کاری شرکت‌کننده‌ها با پاسخ جمعه (دیدگاه ناظر متحرک) بیشتر است. برای بررسی این موضوع که آیا تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌ها از نظر آماری معنادار است یا خیر، از آزمون t برای مقایسه نمونه‌های مستقل استفاده و یافته‌ها به شرح جدول (۳) ارائه شده‌است.

جدول ۳: آزمون t برای مقایسه میانگین اهمال‌کاری و پاسخ جمعه و دوشنبه

مقیاس	F	T	Df	P
اهمال‌کاری	۰/۴۰۵	۵/۱۲۳	۱۰۰	۰/۰۰۰

همچنان‌که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات اهمال‌کاری شرکت‌کننده‌ها با پاسخ جمعه و دوشنبه تفاوت معناداری وجود دارد ($t(100)=5/123$, $p<0/05$). از این رو، می‌توان گفت کسانی که اهمال‌کاری بیشتر را نشان می‌دهند، ترجیح می‌دهند دیدگاه ناظر متحرک (پاسخ جمعه) را انتخاب کنند.

افزون بر این، برخی از شاخص‌های توصیفی حاصل از اجرای پرسش‌نامه وظیفه‌شناسی شرکت‌کننده‌ها با پاسخ‌های جمعه و دوشنبه در جدول (۴) ارائه شده‌است.

جدول ۴: برخی شاخص‌های توصیفی مربوط به اهمال کاری آزمودنی‌ها

انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۶/۵۳	۳۸/۴۸	۴۸	روز جمعه
۳/۵۵	۴۱/۷۵	۵۴	روز دوشنبه

بر مبنای جدول (۴)، میانگین نمره‌های وظیفه‌شناسی شرکت‌کننده‌ها با پاسخ دوشنبه بیشتر از میانگین وظیفه‌شناسی شرکت‌کننده‌ها با پاسخ جمعه است. برای بررسی این موضوع که آیا تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌ها از نظر آماری معنادار است یا خیر، از آزمون t برای مقایسه نمونه‌های مستقل استفاده و یافته‌ها در جدول (۵) ارائه شده‌است.

جدول ۵: آزمون t برای مقایسه میانگین وظیفه‌شناسی و پاسخ جمعه و دوشنبه

مقیاس	F	T	Df	P
وظیفه‌شناسی	۹/۴۶	۳/۰۸	۱۰۰	۰/۰۰۳

همان‌گونه که جدول (۵) نشان می‌دهد، بین میانگین نمره‌های وظیفه‌شناسی شرکت‌کننده‌ها با پاسخ دوشنبه و جمعه تفاوت معناداری وجود دارد ($t(100)=3/08$, $p<0/05$). از این رو، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین اهمال کاری و وظیفه‌شناسی و درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه آینده در زبان فارسی تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت شرکت‌کننده‌هایی که وظیفه‌شناسی بیشتری را نشان می‌دهند، تمایل دارند دیدگاه زمان متحرک (پاسخ دوشنبه) را برگزینند.

۴.۳. آزمایش سوم

۴.۳.۱. شرکت‌کننده‌ها

جامعه آماری این آزمایش شامل ۸۴ نفر از دانشجویان کارشناسی فارسی زبان دانشگاه سیستان و بلوچستان بود. دلیل انتخاب دانشجویان کارشناسی در این پژوهش، در دسترس بودن آن‌ها بود. ۳۶ نفر از شرکت‌کننده‌ها مرد و ۴۸ نفر از آن‌ها زن بودند. سن آزمودنی‌ها بین ۱۹ تا ۳۰ سال و میانگین سن آن‌ها ۲۳ سال بود. محل زندگی گویشوران فارسی زبان از میان منطقه‌های مختلف کشور از جمله کرمان، اصفهان و شیراز انتخاب شده‌است.

۴.۳.۲. ابزار و مواد آزمودنی

در آزمایش سوم از پرسش‌نامه‌ای چهار بخشی استفاده شد. بخش نخست پرسش‌نامه مشتمل بر اطلاعات جمعیت‌شناختی سن، جنسیت، زبان بومی، ملیت، شغل سطح تحصیلات بود. برای بخش دوم پرسش‌نامه، شرکت‌کننده‌ها یک تکلیف دانش خودتعیین^۱ را تکمیل می‌کردند که شامل شش جفت عبارت زمانی بود. این شش جمله در قالب پرسش‌نامه طراحی گردید. این جمله‌ها یا شامل استعاره ناظرمتحرک (مانند: «ما داریم به عید نوروز نزدیک می‌شویم») و یا استعاره زمان‌متحرک (همچون «عید نوروز در حال نزدیک شدن است») بود. این جفت جمله‌ها در قالب طیف لیکرت سه امتیازی به شرکت‌کننده‌ها ارائه شد. شرکت‌کننده‌ها باید میزان مطلوب بودن این جفت جمله‌ها را انتخاب می‌کردند. امتیاز ۱- برای پاسخ جمله زمان‌متحرک، امتیاز صفر برای پاسخ هر دو جمله ناظرمتحرک و زمان‌متحرک و امتیاز ۱ برای جمله دربردارنده ناظرمتحرک معین شد. هدف از گنجاندن این تکلیف این بود که اطمینان به دست آید در عبارت‌های زمانی غیر مبهم هم چارچوب نحوی مربوط به الگوی ناظرمتحرک و هم الگوی زمان‌متحرک برای شرکت‌کننده‌ها قابل قبول باشد. به بیان دیگر، هیچ‌یک از دو جمله ناظرمتحرک و زمان‌متحرک برای شرکت‌کننده‌ها برتری نداشته باشد. در بخش سوم پرسش‌نامه میزان برون‌گرایی شرکت‌کننده‌ها با استفاده از ۱۲ پاره گفته (۲، ۷، ۱۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۷) فرم کوتاشده پرسش‌نامه پنج عامل اصلی شخصیت نئو اندازه‌گیری گردید. بخش پایانی پرسش‌نامه شامل پرسش مبهم جلسه چهارشنبه بعد بود. شرکت‌کننده‌ها شیوه‌نامه زیر را می‌خواندند:

۱۴. لطفاً پرسش زیر را بخوانید و به آن جواب دهید. زمان زیادی صرف فکر کردن به این پرسش نکنید و همچنین جواب‌تان را تغییر ندهید. من علاقه‌مند به واکنش اولیه شما هستم.
جلسه‌ای که چهارشنبه آینده قرار بود برگزار شود، دو روز جلو رفته است. این جلسه برای چه روزی برنامه‌ریزی شده است؟

۴.۳.۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

نخست، نتیجه آزمون‌های دو تکلیف دانش خودتعیین در جدول (۶) ارائه شده است. این تکلیف برای عدم وجود معنی‌داری بین انتخاب جفت جمله‌های ناظرمتحرک و زمان‌متحرک غیر مبهم انجام شده است.

¹ acceptability judgment task

جدول ۶: یافته‌های آزمون خی دو تکلیف دانش خودتعیین

خی دو	درجه آزادی	P
۴/۵	۲	۰/۱۰۵

همان گونه که در جدول (۶) نشان داده شده است، با توجه به مقدار خی دو (۴/۵) و سطح معناداری ($p > 0/05$) می توان گفت بین انتخاب جفت جمله‌های ناظر متحرک و زمان متحرک غیر مبهم تفاوت معناداری مشاهده نمی شود.

برای بررسی فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر تأثیر معنی دار برون گرایی بر درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه در فارسی از آزمون هم خوانی خی دو بهره گرفته شد. یافته‌ها در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷: برخی شاخص‌های توصیفی مربوط به برون گرایی آزمودنی‌ها

روز جمعه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
۳۶	۴۶/۱۱	۷/۱۷	
۴۸	۴۰/۲۵	۷/۰۹	

بر مبنای جدول (۷)، در پرسش‌نامه برون گرایی، میانگین نمرات آزمودنی‌ها با پاسخ جمعه بیشتر از پاسخ دوشنبه است. به منظور بررسی این موضوع که آیا تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌ها از نظر آماری معنادار است یا خیر، از آزمون t برای مقایسه نمونه‌های مستقل استفاده و نتایج به شرح جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸: آزمون t برای مقایسه میانگین برون گرایی و پاسخ جمعه و دوشنبه

مقیاس	F	T	Df	P
برون گرایی	۰/۹۹	۳/۲۷	۸۲	۰/۰۰۰

همچنان که در جدول (۸) مشاهده می شود، بین میانگین نمرات برون گرایی آزمودنی‌ها و پاسخ دوشنبه و جمعه آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$, $t(82) = 3/27$). بنابراین، فرضیه سوم پژوهش مبنی بر تأثیر معنی دار برون گرایی بر درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه در فارسی تأیید می شود. در نتیجه، می توان گفت دانشجویان برون گرا تمایل دارند دیدگاه ناظر متحرک (پاسخ جمعه) را انتخاب کنند.

۵. بحث

بیشتر پژوهش‌های مربوط به بررسی تفکر انتزاعی زمان بر تأثیر فضایی فضا بر زمان متمرکز شده‌اند؛ با وجود این، برخی پژوهش‌های اخیر شواهد اولیه‌ای را ارائه داده‌اند مبنی بر اینکه تجربه‌های عاطفی و تفاوت‌های شخصیتی ممکن است بر دیدگاه‌های افراد نسبت به حرکت رویدادها در زمان و تفسیرهای آن‌ها در ارتباط با جمله‌های مبهم زمانی تأثیر داشته باشد (Margolies & Crawford, 2008; Hauser et al, 2009; Ruscher 2011; Richmond et al, 2012). بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش تفاوت‌های فردی در درک استعاری جمله‌های مبهم زمانی در زبان فارسی بود. به این منظور، به پیروی از دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014) و بر مبنای پرسش مک‌گلون و هاردینگ (McGlone & Harding, 1998) سه آزمایش برای شرکت‌کننده‌های زبان فارسی طراحی شد.

در آزمایش نخست، تفاوت معناداری بین کارمندان و دانشجویان فارسی‌زبان در درک استعاری پاره‌گفته‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه آینده بررسی شد. هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009, p. 1178) معتقداند بازنمایی زمان نه تنها متأثر از موقعیت فرد در فضا است، بلکه متغیری است که تحت تأثیر تفاوت‌های فردی نیز قرار دارد. شیوه زندگی دانشجویان نیز از دو دیدگاه، متفاوت از شیوه زندگی کارمندان دانشگاه است. نخست، دانشجویان بر سازمان‌دهی زمان خودشان نسبتاً کنترل دارند. در حالی که کارمندان دانشگاه به طور نسبی تحت کنترل زمان هستند. دوم، زمان برای دانشجویان نسبت به کارمندان دانشگاه از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است (Duffy & Feist, 2014). بنابراین، در آزمایش نخست فرض بر این بود که این تفاوت‌ها ممکن است بر نگرش افراد نسبت به زمان تأثیرگذار باشد. در نتیجه، افرادی مانند دانشجویان که بر زمان کنترل دارند و زمان در زندگی روزانه آن‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری دارد، ممکن است زمان را کاملاً متفاوت از افرادی مانند کارمندان درک کنند که روزانه نیاز به درجه بالایی از مدیریت زمانی دارند و در معرض محدودیت‌های بیرونی هستند. به این منظور، به کارمندان دانشگاه و دانشجویان پرسش جلسه چهارشنبه بعد داده شد. یافته‌های آزمایش اول نشان داد که دانشجویان بیشتر تمایل دارند دیدگاه ناظر متحرک را انتخاب کنند و، از این رو، در پاسخ به پرسش جلسه چهارشنبه بعد گزینه جمعه را انتخاب کردند. در مقابل، کارمندان دانشگاه بیشتر تمایل داشتند که دیدگاه زمان متحرک را به کار برند و در درک جلسه چهارشنبه بعد بیشتر پاسخ دوشنبه را ترجیح دادند.

این یافته‌ها همسو با پاسخ‌های شرکت‌کننده‌های گروه کنترل در پژوهش‌های انجام‌شده توسط

برودیتسکی (Boroditsky, 2000) و نونز و همکاران (Núñez & Sweetser, 2006) است. در این پژوهش‌ها، دانشجویان بیشتر پاسخ جمعه را به طور معناداری انتخاب کردند. همچنین، این یافته‌ها با نتایج پژوهش ریچموند و همکاران (Richmond et al., 2012) هم‌راستا است. ریچموند و همکاران (Richmond et al., 2012) معتقدند افرادی که سطح بالایی از عاملیت شخصی را گزارش دادند، بیشتر تمایل دارند که دیدگاه ناظرمتحرک (پاسخ جمعه) را انتخاب کنند.

بر این اساس، یافته‌های مرتبط با فرضیه نخست پژوهش حاضر نشان‌دهنده این است که شیوه زندگی دانشجویان بر دیدگاه زمانی و انتخاب پاسخ برای پرسش مبهم زمانی تأثیر معناداری دارد. همان گونه که پیش‌بینی شد، دانشجویان با درجه بالایی از انعطاف‌پذیری زمانی و کنترل نسبی بر ساختار زمانی‌شان بیشتر تمایل داشتند که دیدگاه ناظرمحور (پاسخ جمعه) را به کار گیرند. در مقابل، کارمندان دانشگاه که بیشتر در معرض محدودیت‌های بیرونی قرار دارند و نسبت به تأثیرها و فشارهای بیرونی آگاه هستند، تمایل دارند دیدگاه زمان‌متحرک (پاسخ دوشنبه) را برگزینند.

در آزمایش دوم تأثیر اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی بر درک استعاری عبارت‌های زمانی مبهم جلسه چهارشنبه بعد بررسی شد. شونبرگ و لای (Schouwenburg & Lay, 1995) و میلگرام و تنه (Milgram & Tenne, 2000) معتقدند که بین اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی رابطه منفی وجود دارد. به بیان دیگر، عدم وظیفه‌شناسی ممکن است موجب به تعویق انداختن وظایف و رفتار انحرافی شود. یافته‌های آزمایش دوم نشان داد شرکت‌کننده‌هایی که دیدگاه ناظرمتحرک (پاسخ جمعه) را به کار گرفتند، درجه بالاتری از اهمال‌کاری و درجه پایین‌تری از وظیفه‌شناسی را نشان دادند. در مقابل، شرکت‌کننده‌هایی که دیدگاه زمان‌متحرک (پاسخ دوشنبه) را انتخاب کردند، درجه پائین‌تری از اهمال‌کاری و درجه بالاتری از وظیفه‌شناسی را نشان دادند.

همسو با پژوهش‌های هوسر و همکاران (Hauser et al, 2009)، ریچموند و همکاران (Richmond et al, 2012)، دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014)، دافی و همکاران (Duffy et al., 2014) و لی و کاو (Li & Cao, 2019) یافته‌های آزمایش دوم نشان داد تفاوت‌های فردی (اهمال‌کاری و وظیفه‌شناسی) نقش مهمی بر چگونگی تفکر دانشجویان در مورد زمان و درک پرسش استعاری مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد دارند.

همچنین، بر اساس مدل اهمال‌کاری زمان‌محور فیشر (Fischer, 2001)، برای افراد اهمال‌کار مهم‌ترین وظیفه با نزدیک‌ترین مهلت زمانی اولویت‌بندی می‌شود و دیگر وظایف به تعویق انداخته می‌شوند. به بیان دیگر، وظایفی که به تعویق انداخته می‌شوند، در مسیری هم‌راستا با حرکت رو به

جلوی ناظر در زمان یعنی دیدگاه ناظر متحرک درک می‌شوند.

در نتیجه، همان‌گونه که پیش‌بینی شد، شرکت‌کننده‌هایی که پرسش مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد را مطابق با دیدگاه ناظر متحرک (پاسخ جمعه) درک کردند، درجه بالاتری از اهمال‌کاری و پایین‌تری از وظیفه‌شناسی را نشان دادند. بر عکس شرکت‌کننده‌هایی که این پرسش را مطابق با دیدگاه زمان متحرک (پاسخ دوشنبه) درک کردند، درجه پایین‌تری از اهمال‌کاری و بالاتری از وظیفه‌شناسی داشتند.

افزون بر این، یکی از معتبرترین تفاوت‌های شخصیتی شناخته‌شده تمایز بین برون‌گرایی و درون‌گرایی است (Eysenck, 1953; Revelle et al., 1980; Giambra et al., 1988). به بیان جان و همکاران (John et al., 2008) افراد برون‌گرا افرادی قاطع، مسلط و پرنرژی هستند و رویکردی فعالانه نسبت به دنیای مادی و اجتماعی دارند، در حالی که افراد درون‌گرا شخصیتی منزوی، محتاط و سازگار دارند و رویکردی منفعلانه دارند. بر این اساس، در آزمایش سوم فرض بر این بود که دانشجویان برون‌گرا به دلیل انگیزه‌های بیرونی و رفتارهای درگیرانه و هدفمند با رویکرد ناظر متحرک (پاسخ جمعه) سازگارتر هستند. در مقابل، سازگاری دانشجویان درون‌گرا به دلیل رفتارهای منفعلانه و محتاط با دیدگاه زمان متحرک (پاسخ دوشنبه) بیشتر است.

یافته‌های آزمون سوم نیز همسو با پژوهش‌های هوسر و همکاران (Hauser et al., 2009)، ریچموند و همکاران (Richmond et al., 2012)، دافی و فیست (Duffy & Feist, 2014)، دافی و همکاران (Duffy et al., 2014) و لی و کاو (Li & Cao, 2019) نشان داد تفاوت‌های فردی (درون‌گرایی و برون‌گرایی) نقش مهمی بر چگونگی تفکر افراد در مورد زمان و درک پرسش استعاره‌ی مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد دارند.

بر این اساس، همان‌گونه که پیش‌بینی شد، شرکت‌کننده‌هایی که پرسش مبهم زمانی جلسه چهارشنبه هفته بعد را هم‌راستا با دیدگاه ناظر متحرک (پاسخ جمعه) درک کردند، درجه بیشتری از برون‌گرایی نسبت به شرکت‌کننده‌هایی داشتند که پرسش مبهم را مطابق با دیدگاه زمان متحرک (پاسخ دوشنبه) تفسیر نمودند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی درک پرسش مبهم زمانی جلسه چهارشنبه بعد، بیشتر بر این فرض استوار بوده‌است که شرکت‌کننده‌ها باید در محیطی خنثی به این پرسش پاسخ دهند. در حالی که این پژوهش‌ها نقشی برای تفکر فضایی در ابهام‌زدایی از این جمله‌های مبهم زمانی در نظر گرفتند، ولی نقش بالقوه

تعبیر زبانی و ابهام‌زدایی را مورد بررسی قرار ندادند. از این رو، هدف پژوهش حاضر نقش برخی تفاوت‌های فردی در درک زبانی جمله‌های مبهم زمانی بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت‌های فردی بر دیدگاه‌های دانشجویان پیرامون حرکت رویدادها در زمان تأثیر معناداری دارد. در نتیجه، عوامل فردی در درک زبان مبهم و مفهوم‌سازی زبان نقش دارند. به بیان لوین (Levine, 1997) اینکه افراد چگونه زمان زندگی خود را درک می‌کنند دارای پاسخ‌های بسیار گوناگونی است. به بیان دیگر، در هر سطحی از زندگی یعنی از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از شهری به شهر دیگر و از همسایه‌ای به همسایه دیگر تفاوت‌های بسیاری نهفته است. به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نمایانگر آن بود که درک کامل پاسخ‌ها به عبارت‌های مبهم زمانی از طریق بررسی مشترک تفاوت‌های فردی و برانگیختگی بافتی امکان‌پذیر است.

فهرست منابع

- افراشی، آرزیتا (۱۳۹۲). «ادراک و بازنمود زبانی مفهوم زمان: تحلیل شناختی». ارائه شده در دومین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی. ۲۵ اردیبهشت. شیراز. علوم تحقیقات فارس.
- جهانگیری، نادر و سهیلا نوربخش (۱۳۹۵). «بازنمایی معنای ذهنی زمان آینده در پاره گفتارهای زبان فارسی بر پایه نظریه معنانشناسی پیش‌فرض». *زبان‌پژوهی*. سال ۸، شماره ۲۱. صص ۸-۳۱.
- گلفام، ارسلان، عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا و سیما حسن‌دخت فیروز (۱۳۸۸). «استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی». *نقد ادبی*. دوره ۲، شماره ۷. صص ۱۳۶-۱۲۱.
- منصوری، بهاره (۱۳۹۵). *فراگیری استعاره‌های حرکتی زمان در کودکان فارسی‌زبان*. پایان‌نامه دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصیب‌ضرابی، فهمیه و محمد رضا پهلوان نژاد (۱۳۹۳). «تبلور مفهوم زمان: بر اساس حرکت استعاری داستان». *پژوهش‌های زبانی*. دوره ۵، شماره ۱. صص ۱۰۹-۱۲۷.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معنانشناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت‌مدرس.
- کافی پور، رضا، لاله خجسته و شاداب مصلحی (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط انگیزه، راهبردهای یادگیری زبان، تیپ شخصیتی و تفاوت‌های فردی با اهمال‌کاری تحصیلی دانشجویان رشته‌های پزشکی در یادگیری زبان انگلیسی». *علوم پزشکی صلرا*. دوره ۸، شماره ۳. صص ۲۳۳-۲۴۸.

References

- Afrashi, A. (2013). Linguistic perception and representation the concept of time: Cognitive analysis. Presented at Second National Conference on Persian Language Education and Linguistics, 15 May. Shiraz, Research Sciences Azad University. [In Persian]

- Boroditsky, Lera. (2000). Metaphoric structuring: Understanding time through spatial metaphors. *Cognition* 75(1), 1–28.
- Boroditsky, L., & Ramscar, M. (2002). The roles of body and mind in abstract thought. *Psychological Science*, 13(2), 185–188.
- Boroditsky, L. (2011). How languages construct time. In S. Dehaene and E. Brannon (Eds.), *Space Time Number in the Brain: Searching for the Foundations of Mathematical Thought* (pp. 333–341). San Diego, CA: Elsevier Academic Press
- Clark, H. H. 1973. Space, time, semantics, and the child. In T. E. Moore (Ed.), *Cognitive development and the acquisition of language* (pp. 27–63). New York, NY: Academic Press
- Duffy, S. & Feist, M. (2014). Individual differences in the interpretation of ambiguous statements about time. *Cognitive Linguistics*, 25(1), 29-54.
- Duffy, S. E., Feist, M. I., & McCarthy, S. (2014). Moving through time: The role of personality in three real-life contexts. *Cognitive science*, 38(8), 1662-1674.
- Evans, V. (2004). *The Structure of Time: Language, Meaning, and Temporal Cognition*. Amsterdam: John Benjamins
- Evans, V. (2013). *Language and time: A cognitive linguistics approach*. Cambridge: Cambridge University Press
- Eysenck, H. J. (1953). The Science Study of Personality: A Note on the Review. *British Journal of Statistical Psychology*, 6(1), 44-52.
- Fischer, C. (2001). Read this paper later: Procrastination with time-consistent preferences. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 46(3), 249-269.
- Evans, V., & Green, E. M (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press
- Gentner, D., Imai, M., & Boroditsky, L. (2002). As time goes by: Evidence for two systems in processing space→ time metaphors. *Language and cognitive processes*, 17(5), 537-565.
- Giambra, L. M., Quilter, R. E., & Phillips, P. B. (1988). The relationship of age and extraversion to arousal and performance on a sustained attention task: A cross-sectional investigation using the Mackworth clock-test. *Personality and individual differences*, 9(2), 225-230.
- Golfam, A., Kurdzaferanlu Kambozia, A., & Hassan Dukht, S. (2009). Cognitive study of time metaphor in Forough Farrokhzad's poems. *Literary Criticism*, 2(7), 121-136 [In Persian]
- Grunschel, C., Patrzek, J., & Fries, S. (2013). Exploring different types of academic delays: A latent profile analysis. *Learning and Individual Differences*, 23, 225-233.
- Haspelmath, M. (1997). *From space to time: Temporal adverbials in the world's languages*. Munich: Lincom
- Hauser, D. J., Margaret, S., Carter & Brian, P. M. (2009). Mellow Monday and furious Friday: The approach-related link between anger and time representation. *Cognition and Emotion*, 23(6), 1166–1180.
- Henning, J. B., Stuffed, C. J., Payne, S. C., Bergman, M. E., Mannan, M. S., & Keren, N. (2009). The influence of individual differences on organizational safety attitudes. *Safety science*, 47(3), 337-345.
- Jahangiri, N & Noorbakhsh, S. (2016). Representing future conceptualization in Persian utterances in the framework of default semantics. *Journal of Language Research*, 8(21), 32-61. [In Persian]

- John, O. P., Naumann, L. P., & Soto, C. J. (2008). Paradigm shift to the integrative big five trait taxonomy. *Handbook of personality: Theory and Research*, 3(2), 114-158.
- Kafipour R., Khojasteh L., Moslehi Sh. (2020). The Impact of Motivation, Learning Strategies, And Personality Trait on Medical Students' Procrastination in English Courses. *Sadra Medical Science Journal*. 8 (3), 233-248 [In Persian].
- Kranjec, Ar. (2006). Extending spatial frames of reference to temporal concepts. In K. Forbus, D. Gentner & T. Regier (Eds.), *Proceedings of the 28th Annual Conference of the Cognitive Science Society* (pp. 447-452). Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press
- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor*. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 202-251). Cambridge: Cambridge University Press
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books
- Levine, R. (1997). *A Geography of Time: The Temporal Misadventures of a Social Psychologist, or how every Culture keeps Time just a little bit differently*. New York: Basic Books
- Li, H., & Cao, Y. (2019). Planning for the future: The relationship between conscientiousness, temporal focus and implicit space-time mappings. *Personality and Individual Differences*, 141, 111-116.
- Mansoori, Bahareh. (2016). The Acquisition of Spatial Metaphors of time in Persian Speaking Children (Unpublished PhD thesis). Institute for Humanities & Cultural Studies, Tehran, Iran [In Persian]
- Margolies, S. O., & Crawford, L. E. (2008). Event valence and spatial metaphors of time. *Cognition and Emotion*, 22(7), 1401-1414.
- Matlock, T, Michael, R & Lera, B. (2005). On the experiential link between spatial and temporal language. *Cognitive Science*, 29, 655-664.
- Matlock, T, Keven J. H, Mahesh, S & Michael, R. (2011). Even abstract motion influences the understanding of time. *Metaphor and Symbol*, 26, 260-271.
- McGlone, M. S., & Harding, J. L. (1998). Back (or forward?) to the future: The role of perspective in temporal language comprehension. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory and Cognition*, 24, 1211-1223.
- Milgram, N., & Tenne, R. (2000). Personality correlates of decisional and task avoidant procrastination. *European Journal of Personality*, 14(2), 141-156.
- Mount, M. K., & Barrick, M. R (1991). The big five personality dimensions and job performance: a meta-analysis. *Personnel Psychology*, 44(1), 1-26.
- Milgram, N. N., Mey-Tal, G., & Levison, Y. (1998). Procrastination, generalized or specific, in college students and their parents. *Personality and Individual Differences*, 25(2), 297-316.
- Barrick, M. R., & Mount, M. K. (1991). The big five personality dimensions and job performance: a meta-analysis. *Personnel psychology*, 44(1), 1-26.
- Costa, Paul T.; McCrae, Robert R. (1985). *The NEO personality inventory manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources
- Moore, K. (2000). *Spatial experience and temporal metaphors in Wolof: Point of view, conceptual mapping, and linguistic practice*. Retrieved from <<https://escholarship.org/uc/item/7s4628f2>>.

- Moore, K. E. (2006). Space-to-time mappings and temporal concepts. *Cognitive Linguistics*, 17(2), 199-244.
- Nasib Zarraby, F., & Pahlavannezhad, M. (2014). Model for the concept of time in Persian speakers' minds: based on metaphoric gestures. *Journal of Language Researches*, 5 (1), 109-127. [In Persian].
- Núñez, R. E., & Sweetser, E. (2006). With the future behind them: Convergent evidence from Aymara language and gesture in the crosslinguistic comparison of spatial construals of time. *Cognitive Science*, 30(3), 401-450.
- Núñez, R., Motz, B., & Teuscher, U. (2006). Time after time: The psychological reality of the ego- and time reference point distinction in metaphorical construals of time. *Metaphor and Symbol*, 21, 133-146.
- Ramscar, M. (2010). Computing machinery and understanding. *Cognitive science*, 34(6), 966-971.
- Revelle, W., Humphreys, M. S., Simon, L., & Gilliland, K. (1980). The interactive effect of personality, time of day, and caffeine: A test of the arousal model. *Journal of Experimental Psychology: General*, 109 (1), 1-31.
- Richmond, J., Clare Wilson, J., & Zinken, J. (2012). A feeling for the future: How does agency in time metaphors relate to feelings?. *European Journal of Social Psychology*, 42(7), 813-823.
- Ruscher, J. B. (2011). Moving forward: The effect of spatiotemporal metaphors on perceptions of grief. *Social Psychology*, 42(3), 225-230.
- Schouwenburg, H. C., & Lay, C. H. (1995). Trait procrastination and the big-five factors of personality. *Personality and Individual Differences*, 18(4), 481-490.
- Schraw, G., Wadkins, T., & Olafson, L. (2007). Doing the things we do: A grounded theory of academic procrastination. *Journal of Educational Psychology*, 99(1), 12.
- Zheng, W., Liu, Y., Liu, C. H., Chen, Y. H., Cui, Q., & Fu, X. (2019). The Influence of Event Valence and Emotional States on the Metaphorical Comprehension of Time. *Frontiers in Psychology*, 10. 410, 1-13.
- Yussefi Rad, F. (2003). *The study of metaphor of time in Persian: A cognitive semantic approach* (Unpublished Master thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran [In Persian].

